

بررسی رابطه متغیرهای جغرافیایی و رشد پهنای فضایی اقتصاد جرم در استان‌های مرزی با تاکید بر شرق ایران

محمد بلوچی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار جغرافیای روستایی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

علی اصغر اسماعیل پورروشن

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

چکیده

بی شک فرصت‌هایی که مرز ایجاد می‌کند به همراه محدودیت‌های ناشی از متغیرهای جغرافیایی - محیطی در این مناطق زنجیره‌ای را به وجود می‌آورد که نتیجه آن شکل‌گیری نوع خاصی از زیست و فعالیت اقتصادی است. یعنی می‌توان گفت که متغیرهای جغرافیایی نامطلوب برای توسعه اقتصادی، ناخودآگاه کنشگران را به استفاده از فرصت‌های مرزنشینی در فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی و مجرمانه سوق می‌دهد. مرزهای ایران به ویژه مرزهای شرقی در این وضعیت قرار دارند به نحوی که متغیرهای جغرافیایی حاکم بر این مناطق از یک طرف فعالیت اقتصادی بومی و محلی را طاقت فرسا و کم بازده نموده و از طرف دیگر با دشوار ساختن نظارت‌ها و کنترل‌های امنیتی و پوشش و استتار اقتصاد جرم به رشد پهنای فضایی آن کمک می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه متغیرهای جغرافیایی و رشد پهنای فضایی اقتصاد جرم در استان‌های مرزی با تاکید بر شرق ایران است. سوال اصلی مقاله این است که رابطه بین متغیرهای جغرافیایی و رشد پهنای فضایی اقتصاد جرم در استان‌های مرزی با تاکید بر شرق ایران چگونه است؟ روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که متغیرهای جغرافیایی نواحی مرزی فرصت توسعه اقتصاد رسمی را در این نواحی محدود کرده است اما از طرف دیگر فرصت‌های اقتصادی ناشی از مرزنشینی باعث شده است که ساکنین برای فرار از اثرات منفی متغیرهای نامطلوب جغرافیایی بر زندگی اقتصادی خود فعالیت‌هایی مانند انواع قاچاق، مهاجرت، ترانزیت مواد مخدر و بعضاً جذب شدن در فعالیت‌های سیاسی را دنبال کنند.

کلمات کلیدی: متغیرهای جغرافیایی، پهنای فضایی، اقتصاد جرم، مرز.

مقدمه

بی تردید رابطه‌ی انسان با مکان و به طور کلی محیط پیرامونی، به وسیله‌ی مجموعه‌ی کنش‌های او نمود می‌یابد هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش، نیاز و توان فنی خود در محیط پیرامونی مداخله و تصرف می‌نماید و این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌کند (پور احمد، ۱۳۸۸). تمام ناهنجاری‌ها و مفساد اجتماعی و هر فعل و ترک فعلی که تحت عنوان جرم تاکنون شناخته شده به هرنحوی که از انسان سرزند دارای بستر زمانی و مکانی است به بیانی دیگر تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی خاص است که آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد بنابراین تفاوت در شرایط مکانی، توزیع فضایی نابرابر جرم را در پی دارد و این تفاوت موجب می‌شود که در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی به طوریکسان پراکنده نباشد (افتخاری، - ۱۳۸۱).

مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل محیط کالبدی با رفتارهای اجتماعی ناهنجار و منحرفانه و آمارهای حاصله در خصوص ارتکاب جرایم در محیط‌های مختلف نشان می‌دهد که مجرمین اغلب در ارتکاب جرم ناچار و ناگزیر از ارتکاب جرم؛ البته مجرمین عموماً دارای انتخابی منطقی بوده و به دنبال فرصت‌های مناسب و کم‌خطر برای ارتکاب جرم اند، از این رو مناطقی را برای ارتکاب جرم بر می‌انگیزند که شرایط مناسبی داشته و کم‌ترین خطر و هزینه را بر آنان تحمیل نماید. بنابراین لزوم شناخت مکان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های مجرمانه و یا تسهیل‌کننده انحراف و تغییر در فضای پیرامونی از طریق مقاوم سازی، خلق شرایط و فضاهای مقاوم و رفع تبعیض و محرومیت‌های محیطی در برابر جرم می‌تواند تأثیر به‌سزایی در کاهش ناهنجاری‌ها داشته باشد (تقوایی، ۱۳۸۹).

انتخاب منطقی مجرمین با توجه به مؤلفه‌هایی چون قربانی جرم، مکان، امکان شناخته شدن، دستگیری و... است لذا با طراحی مناسب و درست و کاربردی مؤثر از فضا می‌توان علاوه بر کاهش فرصت مجرمانه بر کیفیت زندگی افراد افزود. بی‌شکی یکی از پیچیده‌ترین مسایل و دغدغه‌های اخیر جوامع شهری پدیده‌ی مجرمانه است. منظور از پدیده مجرمانه که موضوع مطالعه و بررسی علم جرم‌شناسی است معنای عام کلمه است که صرفاً صبغه‌ی جزایی و حقوقی ندارد، به دیگر سخن پدیده مجرمانه هم شامل جرم است هم انحراف یا کژروی. جرم که در لغت به معنای خطا و عصیان است از نگاه حقوقی به عنوان عملی ضد قانون و ناهنجار تلقی می‌شود که از طریق مجازات و کیفر منع شده و در واقع صبغه جزایی دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۱). اما انحراف یا کژروی که معمولاً زیر پا گذاشتن ضوابط اخلاقی و سجایای عالی انسانی است اعمالی است هنجار شکن که صبغه اخلاقی دارد و دارای ضمانت اجرای کیفری نیست بلکه سرزنش گروهی و اجتماعی را در پی دارد، البته در جوامع سنتی و مذهبی برخلاف جوامع غربی انحراف عموماً مفهوم واقعی و مستقلی ندارد؛ این مفهوم در بزه ادغام شده و در این جوامع بزه و انحراف، اصولاً دارای عنوان جرم و ضمانت اجرای کیفری هستند (جمالی، ۱۳۸۱).

مقابله با پدیده مجرمانه که اعم از جرم و انحراف است به عنوان تهدید کننده نظم اجتماعی تنها از طریق تدابیر کیفری امکان پذیر نیست و گرنه این همه نرخ بزه کاری (مجموع جرایم ارتكابی در بستر زمان و مکان مشخص) و

ناهنجاری‌های اجتماعی علی‌رغم تحمیل هزینه‌های سنگین مالی بردوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی؛ فزونی نمی‌یافت. اگر صرفاً با توسل به مجازات درصدد مقابله با رفتار مجرمانه بر آییم بیم آن می‌رود علت بروز فراموش شده و مبارزه با معلول جایگزین مبارزه با علت شود به همین دلیل جرم شناسان بزه کار و عوامل مؤثر بر پدیده مجرمانه را توأمان مورد توجه قرار داده و به مطالعه آن دو می‌پردازند؛ دانشمندان جرم معتقدند در درمان اجتماعی برای آن که تدابیر پیش گیرانه به طور مؤثر کارگر افتد باید بیش از فعل ضد اجتماع به انسان که فاعل آن است توجه شود و بر انسان فاعل جرم، عوامل و عللی مؤثر می‌افتد که موجب تجلی رفتار ضد اجتماعی در اوست یعنی علل مولد جرم. عامل جرم زا رایج ترین اصطلاح جرم شناسی است و در واقع شناخت عوامل جرم زا مبنای دانش جرم شناسی است (علایی طالقانی، ۱۳۸۲).

نقش عامل جرم زا که پدیده ایست ناشی از وضع جسمانی، روانی، اجتماعی و... در پیدایش یا افزایش جرم غیر قابل انکار است. اما عامل به وجود آورنده جرم نیست بلکه پرورش دهنده آن است. چرا که تأثیر عامل در افراد مختلف متفاوت است چه بسا افرادی تحت تأثیر عاملی مرتکب جرم میشوند در عین حال افرادی دیگر در همان اوضاع (وضع مشابه) و با همان شرایط به سر برند و مرتکب جرم شوند به عنوان مثال تأثیر عاملی چون فقر، یکی به طرف بزه کاری سوق داده می‌شود و دیگری در صف صلحا و پیشوایان قرار می‌گیرد؛ دو برادر ابونی تحت تأثیر یک نوع عامل ژنتیک بوده، در یک محیط تربیت یافته‌اند اما یکی درست کار و متقی و دیگری بزه کار می‌گردد (عبادی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

به دیگر سخن عوامل مولد جرم اعم از جسمانی، روانی، طبیعی، اجتماعی و... هر یک دارای نقش یکسان نیستند و به هر درجه‌ای از شدت باشند همیشه و به طور مطلق موجب سوق دادن شخص به سوی بزه نمی‌شوند بلکه اجتماع و ترکیب چند عامل مولد جرم شخص را آماده ارتکاب جرم می‌نماید از این رو عوامل یاد شده به عوامل معدّه موسومند یعنی عواملی که بالقوه شخص را معد و آماده ارتکاب جرم می‌نماید و هنگامی که عوامل معد در شرایط خاص با اوضاع و احوال و عوامل غیر محسوس دیگری چون هیجان شدید و یا احتیاج مادی و... ترکیب و اقتران نمایند موجب می‌شوند جرم از قوه به فعل در آید و بزه کاری بروز نماید (طاهر خانی، ۱۳۸۱).

به همین دلایل جرم را پدیده‌ای پیچیده می‌دانند که در نتیجه عوامل مختلف اعم از درونی یا بیرونی به وجود می‌آید و مجموعه این عوامل علت جرم را تشکیل می‌دهند عوامل جرم زا پنیاتل شامل عوامل خارجی، داخلی، جغرافیایی، خانوادگی (ممانعت فرزندان از آموختن و در برخی موارد تشویق آنان به ارتکاب جرم) عوامل راجع به محیط انتخابی (نقش دوستان در ارتکاب جرم) عوامل شغلی، عوامل مربوط به شرایط اخلاقی جامعه (آثار ضعف اصول اخلاقی در ارتکاب بزه - نقش سینما، تلویزیون و مطبوعات) عوامل مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور (هرگونه ناامنی در این زمینه منجر به عدم تعادل روحی و در نتیجه تسهیل ارتکاب جرم می‌گردد) و سر انجام نهادهای جزایی و نظام زندان‌ها (به ویژه مسأله توقیف احتیاطی) می‌داند (قالیباف، ۱۳۷۵).

رویکرد نظری

به محض این که یک منطقه مرزی و یا خط مرزی به وجود آمد می‌تواند نه تنها منظره طبیعی را که جزیی از آن به شمار می‌رود، بلکه عمران و سیاست‌های کشورهای مجاور را نیز تحت تاثیر قرار دهد. مرز به تنهایی دارای یک نقش است و آن تحدید حدود منطقه ای است که در داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود. اما دولت‌ها سعی می‌کنند نقش‌های دیگری هم مثل، مهاجرت، تجارت، بهداشت و ... را در منطقه اعمال نمایند (شوارزی، ۱۳۸۷). حتی تمرکز بیش از حد نقش‌های دولت در مرز می‌تواند نماینده تغییرات در سیاست‌های خارجی باشد. شکوفایی و زوال شهرها و حوزه نفوذ آن‌ها در مجاورت مرز بستگی به این دارد که خط مرزی نقش‌های جدیدی برای آن‌ها پدید آورد و یا بر عکس، حوزه طبیعی آن‌ها را بر هم زند. به طور کلی کارکردهای مرز را به چهار گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱- کارکرد دفاعی: دفاع از قدیمی‌ترین کارکردهای مرزها و سرحدات است. اینکه مرزهای بین‌المللی نقش و کارکرد دفاعی دارند به ما مفهوم سرحدات طبیعی را می‌دهد. تمام مرزهای سیاسی نمی‌توانند به عنوان سرحدات دفاعی عمل کنند. فقط آن‌هایی که دارای مشخصات طبیعی هستند می‌توانند چنین نقشی را داشته باشند (هیمالیا مثال بسیار خوبی برای این قضیه است) (موفقیت‌های چنین سرحداتی همیشه بستگی به قدرت دولت‌ها داشته است) (رجعتی، - ۱۳۸۹). در دنیای امروز به دلیل توسعه ادوات جدید جنگی، دیگر مرزها حتی اگر به صورت فیزیکی قابلیت‌های قبلی را داشته باشند، کارکرد دفاعی خود را از دست داده‌اند و گفته می‌شود که کوهها و مرزهای طبیعی مانعی برای حمله از خارج نیستند، امروزه ناپیوستگی زمین و دریا، جایگزین پیوستگی هوایی شده است، در عین حال که سلاح‌های مخرب می‌توانند هر نقطه از زمین را مورد حمله قرار دهند (رئیس‌دانا، ۱۳۸۱).

۲- کارکرد سیاسی: سیستم سیاسی بین‌المللی از تعدادی زیر سیستم تشکیل شده است، که در بین آن‌ها کشورهای دارای اقتدار از اهمیت بیشتری برخوردارند. از آنجایی که هر یک از این زیرسیستم‌ها به وسیله خطوط مرزی از دیگری جدا می‌شود، خطوط مرزی در سیستم بین‌المللی اهمیت فراوانی دارند. هر کشوری به عنوان یک زیرسیستم سعی می‌کند تا از نفوذ سیاسی که به امنیت و اعتبار آن خدشه وارد می‌کند جلوگیری کند و مرزهای بین‌المللی بدین واسطه به کشورها کمک می‌کنند. البته کارایی و نقش از مرزی به مرز دیگر متفاوت است (کلانتری، ۱۳۸۰).

مرزهای بین‌المللی پدیده مهاجرت را محدود می‌نماید، زیرا ایدئولوژی سیاسی این پدیده ممکن است یگانگی یک کشور را تهدید کند. مرزها به عنوان سد سیاسی، حرکت فرهنگی مردم را که شامل روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و ... است، محدود می‌سازند. این سرحدات ممکن است به صورت یک فیلتر رنگین عمل نمایند که از گذشتن ایده‌ها و عقایدی که دارای مشخصات مختلف و غیر قابل قبول برای یک نظام سیاسی هستند جلوگیری می‌کنند. کتاب‌ها و روزنامه‌ها باید قبل از اجازه ورود از بازرسی عبور نمایند. بنابراین مرز به عنوان یک خط مصنوعی غیر قابل مشاهده عمل می‌نماید (البته این نقش مرزها نیز با توجه به تکنولوژی ارتباطات امروزه تضعیف شده است) (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۸).

۴- کارکرد اقتصادی مرزها: سیستم اقتصاد جهانی به تعدادی زیرسیستم مجاور که کشورها هستند تقسیم شده است. هر کشور به عنوان یک زیرسیستم مجزا دارای سیاست و برنامه‌های اقتصادی خاص خود است. بنابراین مرزهای بین‌المللی هم از لحاظ اقتصادی مهم هستند و هم به عنوان موانع اقتصادی عمل می‌کنند، زیرا در مرزها کنترل حرکت و مبادله کالا صورت می‌گیرد. تعرفه‌های گمرکی برای واردات کالاهای قانونی باید در مرزها پرداخت شوند و جلوگیری از قاچاق کالا از این مرزها صورت می‌گیرد. همچنین برای جلوگیری از رقابت، ورود کالاهای خارجی با وضع تعرفه‌های گمرکی کنترل می‌شود (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵).

اختلاف قیمتی در دو سوی مرز نیز عملاً اثری است که نقش اقتصادی مرزها بر روی قیمت کالاها دارد. امروزه در برخی از کشورها با حذف موانع گمرکی و مسافری که در نتیجه عقد قراردادهای سیاسی و اقتصادی حاصل می‌شود، نقش خطوط مرزی به عنوان یک مانع بازرگانی کم اهمیت شده است، در حالی که رفت و آمد میان این کشورها نیز آسان تر از گذشته صورت می‌گیرد (اتحادیه اروپا). طور کلی کارکرد مرزها تحت تأثیر سیاست کشورها و تصمیمات مسئولین مربوطه قرار دارد و تحول فضایی ایجاد شده بیشتر از یک تصمیم سیاسی نشأت می‌گیرد. بازگشایی مرزها و یا تشدید کنترل و سد کردن آن‌ها، تصمیمی است که حاکمان در سطوح مختلف آن را اتخاذ می‌کنند و برآیند آن را ما در فضاهای جغرافیایی مشاهده می‌کنیم. یعنی این آن‌ها هستند که با تصمیمات خود یک منطقه را به سمت توسعه و یا رکود سوق می‌دهند (نظریان، ۱۳۸۸).

۳- کارکرد اجتماعی مرزها: مفهوم مرز اجتماعی در مورد تمام مرزهای سیاسی القا می‌شود، زیرا عملاً تمام این مرزها محدوده‌هایی را محصور کرده‌اند که دارای جمعیت‌هایی از لحاظ اجتماعی یکپارچه می‌باشند. از آنجایی که تمام کشورها دوست دارند که ویژگی‌ها و مشخصات اجتماعی‌شان را حفظ کنند، مرزها عملاً به عنوان یک مانع در تعامل اجتماعی بین کشورهای مجاور عمل می‌کنند.

مکتب جدیدی به نام جغرافیای جرم در جامعه شناسی جنایی بنیان گذاری شد، که کارکرد آن تثبیت این نظریه است که هر محیط جغرافیایی تبهکاران مخصوص خود را دارد (کی نیا، ۱۳۸۲: ۳۹). به طور کلی تأثیر عوامل طبیعی و محیطی چون آب و هوا، دما، ناهمواری‌ها و... و عوامل انسانی مانند جمعیت، تراکم و... در رابطه با کجروی‌های بشری، موضوع مطالعات جغرافیای جرم را تشکیل می‌دهد. در واقع این مطالعات، ناهنجاری‌های اجتماعی را به این عوامل نسبت می‌دهند (عبادی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

در بررسی تئوری مناطق جغرافیایی بزهکاری، بیشتر رفتار آنومیک از نوع تبهکارانه‌ی آن مربوط به کیفیت محلات شهری است تا این که در اثر خود شهرنشینی باشد. بدین ترتیب احتمالاً محلات بزهکاری به وجود می‌آیند که خود به مخزن تمرکز دائمی بزه‌کاران تبدیل می‌شود. از این رو پژوهشگران نشان داده‌اند که برخی از محلات، کوچه‌ها و ساختمان‌ها، دارای تمرکز بالایی از بزه‌کاران هستند (گسن، ۱۳۷۶: ۱۱۶). به طور کلی می‌توان بیان داشت اگر چه در پیدایش رفتارهای آنومیک و یا جرایم شهری عوامل مختلف در سطوح متفاوت موثر هستند، ولی هر فضای شهری از لحاظ ویژگی‌های خود می‌تواند افراد بزهکار را برای ترکیب جرایم خود در وضعیت مساعد یا نامساعدی قرار دهد (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

منطقه مورد مطالعه

خط مرزی ایران ۳ هزار و ۶۶۲ مایل است. از میان این کشورها ترکمنستان طولانی‌ترین مرز مشترک با ایران را دارد. طول خط مرزی میان ایران و ترکمنستان حدود ۷۱۳ مایل است. کوتاه‌ترین مرز مشترک با ایران هم به کشور ارمنستان تعلق دارد که حدود ۲۷ مایل می‌باشد. ایران بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و عراق مرز مشترک (خشکی) دارد (امیراحمدیان و همکاران، ۱۳۹۵). ایران همچنین دارای ۲۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان است. ایران طولانی‌ترین مرز را با عراق و کوتاه‌ترین مرز را با ارمنستان دارد. از ۳۱ استان ایران، ۱۶ استان مرزی هستند که از میان آن‌ها، نه استان تنها مرز زمینی دارند (اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی) ۳ تای آن‌ها فقط از راه دریا مرز دارند (مازندران، هرمزگان و بوشهر) و ۴ تا از استان‌ها هم هر دو مرز زمینی و دریایی را دارا است (گیلان، گلستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان) (رحیمی، ۱۳۹۳).



نقشه ۱: مرزهای ایران منبع: (Mauldin Economics)

❖ مرز ایران با جمهوری آذربایجان

استان‌های گیلان، اردبیل و آذربایجان شرقی با خاک اصلی جمهوری آذربایجان و استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی با جمهوری خودمختار نخجوان مرز مشترک دارند (رحیمی، ۱۳۹۱).

❖ مرز ایران با ارمنستان

آذربایجان شرقی و اردبیل با ارمنستان مرز مشترک دارند که استان اردبیل تنها با منطقه ای از جمهوری آذربایجان که به اشغال ارمنستان در آمده هم مرز است.

❖ مرز ایران با افغانستان

استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان با افغانستان هم‌مرز هستند.

❖ مرز ایران با پاکستان

استان سیستان و بلوچستان تنها استان ایران است که با پاکستان هم‌مرز است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳).

❖ مرز ایران با ترکمنستان



نقشه ۲: جغرافیای سیاسی ایران در مرزها منبع: <https://www.pinterest.com>

استان‌های گلستان، خراسان شمالی و خراسان رضوی با جمهوری ترکمنستان مرز اشتراکی دارند.

❖ مرز ایران با ترکیه

آذربایجان غربی تنها استان جمهوری اسلامی ایران است که با ترکیه مرز اشتراکی دارد. مرز سرو هم بعد از ۱۰ کیلومتر عبور از گیت گمرک وارد خاک ایران می‌شود.

❖ مرز ایران با عراق

استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان با عراق مرز مشترک دارند (سروش، ۱۳۹۳).

- ❖ مرز ایران از طریق دریای خزر
استان‌های گیلان، مازندرانو گلستان از طریق دریای خزر با کشورهای دیگر مرز مشترک دارند.
- ❖ مرز ایران از طریق خلیج فارس
استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان از طریق خلیج فارس با کشورهای دیگر همسایه هستند.
- ❖ مرز ایران از طریق دریای عمان (شاران، ۱۳۹۰).
استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان از طریق دریای عمان با کشورهای دیگر همسایه هستند.
طول مرز ایران با کشورهای همسایه به شرح زیر است:

۱. عراق: ۱۴۵۸ کیلومتر
۲. ترکمنستان: ۹۹۲ کیلومتر
۳. افغانستان: ۹۳۶ کیلومتر
۴. پاکستان: ۹۰۹ کیلومتر
۵. جمهوری آذربایجان: ۷۵۹ کیلومتر
۶. ترکیه: ۴۹۹ کیلومتر
۷. ارمنستان: ۳۵۰ کیلومتر
۸. مرز آبی: ۲۴۴۰ کیلومتر

گذرگاه‌های مرزی ایران با کشور ترکیه عبارت اند از:

۱. گذرگاه مرزی بازرگان (مرز گوربولاغ)
۲. گذرگاه مرزی رازی (مرز کاپی کوی)
۳. گذرگاه مرزی سرو (مرز اسن دره)

گذرگاه‌های مرزی ایران با کشور عراق عبارت اند از:

۱. گذرگاه مرزی خسروی (مندریه)
۲. گذرگاه مرزی چذابه (الشیب)
۳. گذرگاه مرزی شلمچه
۴. گذرگاه مرزی مهران (زرباطیه)
۵. گذرگاه مرزی سومار (مندلی)
۶. گذرگاه مرزی تمرچین (اقلیم کردستان عراق) - (حاجی عمران)
۷. گذرگاه مرزی پرویزخان (اقلیم کردستان عراق)
۸. گذرگاه مرزی باشماق (اقلیم کردستان عراق)
۹. گذرگاه شیخ صالح (اقلیم کردستان عراق)

۱۰. گذرگاه مرزی سردشت (علیرضایی، ۱۳۹۰).

گذرگاه‌های مرزی ایران با کشور ارمنستان عبارت‌اند از:

۱. مرز نوردوز در سمت ایران (مغری نام شهر مرزی کشور ارمنستان)

کشورهای هم مرز ایران از طریق دریا از قبیل زیر می‌باشند:

۲. عمان

۳. قطر

۴. کویت

۵. امارات

۶. بحرین

۷. و عربستان

کشورهای همسایه ایران که در سرحدات خاکی از قبیل زیر می‌باشند:

۸. افغانستان

۹. پاکستان

۱۰. آذربایجان

۱۱. ترکمنستان

۱۲. ترکیه

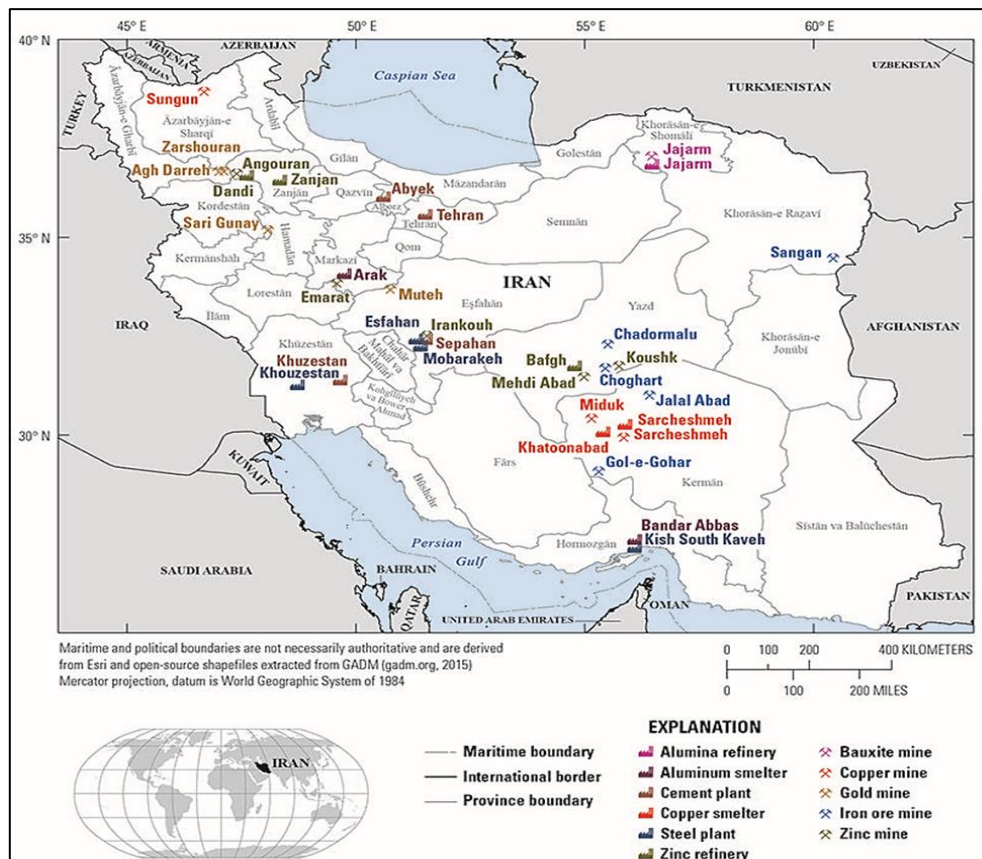
۱۳. عراق

۱۴. و ارمنستان

ایران در کل ۷ استان ساحلی دارد که ۴ استان در جنوب ایران و ۳ استان در شمال قرار دارند. مرز آبی ایران حدود ۲۷۰۰ کیلومتر است که شامل دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان است. شهرهای همسایه ایران از طریق مرز دریایی دریای عمان، سیستان بلوچستان و هرمزگان هستند. از سمت دریای عمان هم استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان مرز مشترک آب با دیگر کشورها دارند. استان‌های گیلان، مازندران و گلستان هم از سمت دریای خزر با کشورهای دیگر مرز مشترک آبی دارند (غبار، ۱۳۸۸).

مرز زمینی ایران و پاکستان نسبتاً طولانی است و حدود ۵۹۶ مایل امتداد دارد. آغاز مرز از سه نقطه پاکستان، ایران و افغانستان را به هم متصل می‌سازد. این خط مرزی تا جنوب ایران امتداد دارد و در نهایت به آب‌های خلیج عمان می‌رسد. استان بلوچستان در پاکستان تنها استانی است که با ایران هم مرز است. استان هم مرز ایران با پاکستان هم سیستان و بلوچستان می‌باشد. ایران نیز آغاز به ساخت دیواری برای جدا کردن مرزهای بین‌المللی ایران و پاکستان نموده است (افتخاری، ۱۳۸۱). انتظار می‌رود تا زمان اتمام ساخت این دیوار بتنی با ضخامت ۳ اینچ، ۴۳۴ مایل طول و ۱۰ فوت ارتفاع داشته باشد. ایران برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و حملات تروریستی اقدام به ساخت این دیوار نموده است. انتظار می‌رود این دیوار مرزی از مند تا تفتان امتداد پیدا کند. با این وجود، ساخت مانع مرزی مورد انتقاد مردم بلوچ که سرزمین اجدادی آن‌ها در بین این مرز است، قرار گرفت. بلوچ‌ها بر این باورند که کشیدن

دیوار موجب جدایی خانواده‌ها و جامعه‌ی اجتماعی آن‌ها از یکدیگر می‌شود. مرز اصلی ایران پاکستان که از مرز بین المللی عبور می‌کند، تفتان میرجاوه است (پور احمد، ۱۳۸۸).



نقشه ۳: کشورهای هم مرز ایران

منبع: <https://www.usgs.gov>

ایران در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی ۹۴۵ کیلومتر با افغانستان مرز مشترک دارد و گذرگاه‌های رسمی میلک شهرستان هیرمند سیستان و بلوچستان، دوغارون در شهرستان تایباد خراسان رضوی و یزدان در خراسان جنوبی، از مهمترین معابر مرزی دو کشور است. جمعیت افغانستان براساس آخرین برآوردها ۳۸ میلیون و ۸۱۹ هزار نفر است. مساحت افغانستان ۶۵۲ هزار و ۸۶۴ کیلومترمربع است. مرز مشترک ایران و افغانستان ۹۵۴ کیلومتر است که این مرز از دهانه ذوالفقار در شمالی‌ترین نقطه تا ملک‌سیاه کوه در جنوبی‌ترین نقطه امتداد یافته است. پرجمعیت‌ترین شهرهای افغانستان به ترتیب کابل، قندهار، مزارشریف و جلال‌آباد هستند. افغانستان بیش از ۶,۵ میلیون نفر مهاجر در سرتاسر جهان دارد که از این میزان بیش از ۳ میلیون نفر آنها در ایران سکونت دارند. با آغاز تحریم‌های آمریکا علیه ایران و افت ارزش پول ایران، میزان بازگشت مهاجران افغان به کشور خود افزایش یافت (تقوایی، ۱۳۸۹).

یافته‌های پژوهش

مطالعات نوین و تجارب گذشته همگی مبین این واقعیت است که صرفاً تعقیب کیفی و مجازات مجرمین نمی‌تواند

برای زدودن پدیده مجرمانه از پیکره اجتماع کافی باشد و به طوری قین تا عوامل جرم را در جامعه موجود باشد مبارزه با مجرم به عنوان معلول، علی رغم بودجه عظیمی که صرف می‌شود بی‌فایده است. برای مقابله با بزه کاری باید به همه ارکان و عوامل توجه نمود و به عبارت دیگر پیش‌گیری نیازمند توجه به سه عامل جرم، مجرم و بزه دیده به عنوان ارکان اصلی بزه کاری است. پیش‌گیری از جرم با هدف کاهش فرصت‌ها و انگیزه‌ی مجرمانه آن جام می‌گیرد چرا که ارتکاب جرم به روش‌های مختلفی صورت می‌پذیرد و کشف جرم علاوه بر اتلاف زمان هزینه‌ی هنگفتی را می‌طلبد (حافظ نیا، ۱۳۸۱).

مبارزه با جرم و کج رویه‌ی اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم است که با از بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از بروز جرایم پیش‌گیری و یا حداقل از میزان آن کاست. کنترل پدیده مجرمانه که نیازمند توجه به مؤلفه‌های بسیاری است به یک عزم ملی از سوی تمامی اقشار و اعضای پیکره‌ی اجتماع (دولت- مردم و...) و تأمین بودجه، اعتبارات، تجربه، آموزش و مدیریت مناسب دارد (جمالی، ۱۳۸۱).

در این میان زیست‌گاه که مجموعه اوضاع و احوال مادی و غیر مادی احاطه‌کننده‌ی فرد است در نوع، کیفیت و کمیت جرایم حایز اهمیت بسیار است. زیست‌گاه‌های متفاوت بر رفتار (کنش و واکنش) افراد تأثیرات متفاوتی دارد؛ در حقیقت رفتار انسان‌ها تا حدی محصول زیست‌گاه و محیطی است که خود، آن را ساخته و سپس از آن متأثر شده‌اند.

بی‌تردید رابطه‌ی انسان با مکان و به طور کلی محیط پیرامونی، به وسیله‌ی مجموعه‌ی کنش‌های او نمود می‌یابد هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش، نیاز و توان فنی خود در محیط پیرامونی مداخله و تصرف می‌نماید و این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌کند. تمام ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی و هر فعل و ترک فعلی که تحت عنوان جرم تاکنون شناخته شده به هرنحوی که از انسان سرزند دارای بستر زمانی و مکانی است به بیانی دیگر تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی خاص است که آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد بنابراین تفاوت در شرایط مکانی، توزیع فضایی نابرابر جرم را در پی دارد و این تفاوت موجب می‌شود که در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی به طور یکسان پراکنده نباشد (Cahill, 2004).

مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل محیط کالبدی با رفتارهای اجتماعی ناهنجار و منحرفانه و آمارهای حاصله در خصوص ارتکاب جرایم در محیط‌های مختلف نشان می‌دهد که مجرمین اغلب در ارتکاب جرم ناچار و ناگزیر از ارتکاب جرم؛ البته مجرمین عموماً دارای انتخابی منطقی بوده و به دنبال فرصت‌های مناسب و کم‌خطر برای ارتکاب جرم اند، از این رو مناطقی را برای ارتکاب جرم بر می‌انگیزند که شرایط مناسبی داشته و کم‌ترین خطر و هزینه را بر آنان تحمیل نماید. بنابراین لزوم شناخت مکان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های مجرمانه و یا تسهیل‌کننده انحراف و تغییر در فضای پیرامونی از طریق مقاوم‌سازی، خلق شرایط و فضاهای مقاوم و رفع تبعیض و محرومیت‌های محیطی در برابر جرم می‌تواند تأثیر به‌سزایی در کاهش ناهنجاری‌ها داشته باشد (Melachlan, 1994).

انتخاب منطقی مجرمین با توجه به مؤلفه‌هایی چون قربانی جرم، مکان، امکان شناخته شدن، دستگیری و... است لذا

با طراحی مناسب و درست و کاربردی مؤثر از فضا می‌توان علاوه بر کاهش فرصت مجرمانه بر کیفیت زندگی افراد افزود. بی‌شک یکی از پیچیده‌ترین مسایل و دغدغه‌های اخیر جوامع شهری پدیده‌ی مجرمانه است. منظور از پدیده مجرمانه که موضوع مطالعه و بررسی علم جرم‌شناسی است معنای عام کلمه است که صرفاً صبغه‌ی جزایی و حقوقی ندارد، به دیگر سخن پدیده مجرمانه هم شامل جرم است هم انحراف یا کژروی. جرم که در لغت به معنای خطا و عصیان است از نگاه حقوقی به عنوان عملی ضدقانون و ناهنجارتلقی می‌شود که از طریق مجازات و کیفر منع شده و در واقع صبغه جزایی دارد. اما انحراف یا کژروی که معمولاً زیر پا گذاشتن ضوابط اخلاقی و سجایای عالی انسانی است اعمالی است هنجار شکن که صبغه اخلاقی دارد و دارای ضمانت اجرای کیفری نیست بلکه سرزنش گروهی و اجتماعی را در پی دارد، البته در جوامع سنتی و مذهبی برخلاف جوامع غربی انحراف عموماً مفهوم واقعی و مستقلاً ندارد؛ این مفهوم در بزه ادغام شده و در این جوامع بزه و انحراف، اصولاً دارای عنوان جرم و ضمانت اجرای کیفری هستند.

مقابله با پدیده مجرمانه که اعم از جرم و انحراف است به عنوان تهدید کننده نظم اجتماعی تنها از طریق تدابیر کیفری امکان پذیر نیست و گرنه این همه نرخ بزه کاری (مجموع جرایم ارتكابی در بستر زمان و مکان مشخص) و ناهنجاری‌های اجتماعی علی‌رغم تحمیل هزینه‌های سنگین مالی بردوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی؛ فزونی نمی‌یافت (Mojtahed - zadeh, 996).

اگر صرفاً با توسل به مجازات در صدد مقابله با رفتار مجرمانه بر آییم بیم آن می‌رود علت بروز فراموش شده و مبارزه با معلول جایگزین مبارزه با علت شود به همین دلیل جرم‌شناسان بزه کار و عوامل مؤثر بر پدیده مجرمانه را توأمان مورد توجه قرار داده و به مطالعه آن دو می‌پردازند؛ دانشمندان جرم معتقدند در درمان اجتماعی برای آن که تدابیر پیش‌گیرانه به طور مؤثر کارگر افتد باید بیش از فعل ضد اجتماع به انسان که فاعل آن است توجه شود و بر انسان فاعل جرم، عوامل و عللی مؤثر می‌افتد که موجب تجلی رفتار ضد اجتماعی در اوست یعنی علل مولد جرم. عامل جرم را رایج‌ترین اصطلاح جرم‌شناسی است و در واقع شناخت عوامل جرم از مبنای دانش جرم‌شناسی است (baluch, 1985).

نقش عامل جرم را که پدیده ایست ناشی از وضع جسمانی، روانی، اجتماعی و... در پیدایش یا افزایش جرم غیر قابل انکار است. اما عامل به وجود آورنده جرم نیست بلکه پرورش دهنده آن است. چرا که تأثیر عامل در افراد مختلف متفاوت است چه بسا افرادی تحت تأثیر عاملی مرتکب جرم میشوند در عین حال افرادی دیگر در همان اوضاع (وضع مشابه) و با همان شرایط به سر برند و مرتکب جرم شوند به عنوان مثال تأثیر عاملی چون فقر، یکی به طرف بزه کاری سوق داده می‌شود و دیگری در صف صلحا و پیشوایان قرار می‌گیرد؛ دو برادر ابونبی تحت تأثیر یک نوع عامل ژنتیک بوده، در یک محیط تربیت یافته‌اند اما یکی درست کار و متقی و دیگری بزه کار می‌گردد.

به دیگر سخن عوامل مولد جرم اعم از جسمانی، روانی، طبیعی، اجتماعی و... هر یک دارای نقش یکسان نیستند و به هر درجه‌ای از شدت باشند همیشه و به طور مطلق موجب سوق دادن شخص به سوی بزه نمی‌شوند بلکه اجتماع و

ترکیب چند عامل مولد جرم شخص را آماده ارتکاب جرم می‌نماید از این رو عوامل یاد شده به عوامل معدّه موسومند یعنی عواملی که بالقوه شخص را معد و آماده ارتکاب جرم می‌نماید و هنگامی که عوامل معد در شرایط خاص با اوضاع واحوال و عوامل غیر محسوس دیگری چون هیجان شدید و یا احتیاج مادی و... ترکیب و اقتران نمایند موجب می‌شوند جرم از قوه به فعل در آید و بزه کاری بروز نماید.

به همین دلایل جرم را پدیده‌ای پیچیده می‌دانند که در نتیجه عوامل مختلف اعم از درونی یا بیرونی به وجود می‌آید و مجموعه این عوامل علت جرم را تشکیل می‌دهند عوامل جرم را پنیاتل شامل عوامل خارجی، داخلی، جغرافیایی، خانوادگی (ممانعت فرزندان از آموختن و در برخی موارد تشویق آنان به ارتکاب جرم) عوامل راجع به محیط انتخابی (نقش دوستان در ارتکاب جرم) عوامل شغلی، عوامل مربوط به شرایط اخلاقی جامعه (آثار ضعف اصول اخلاقی در ارتکاب بزه - نقش سینما، تلویزیون و مطبوعات) عوامل مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور (هرگونه ناامنی در این زمینه منجر به عدم تعادل روحی و در نتیجه تسهیل ارتکاب جرم می‌گردد) و سر انجام نهادهای جزایی و نظام زندان‌ها (به ویژه مسأله توقیف احتیاطی) می‌داند (Anselin, 2000).

بنابراین جرم شناسان مهم ترین علل ارتکاب بزه را فقر (اقتصادی، فرهنگی و...) اجتماع (خانواده، کوچه، مدرسه، زیست گاه، شهر، دانشگاه، دوستان و...) و وضعیت جسمانی می‌دانند؛ به عبارت دیگر برخی محرک‌ها بر انسان به عنوان فاعل جرم تأثیر گذارند این عوامل که از آن به علل مولد جرم یاد می‌شود در جرم شناسی عبارتند از اوضاع واحوال، ویژگی‌های شخصیتی جسمانی و روانی و محیطی که بزه کار را احاطه کرده و می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقش داشته باشد این عوامل پرورش دهنده و کمک کننده در ارتکاب جرم را می‌توان از دیدگاه کلی وازیک منظر به دودسته اصلی عوامل درونی فردی و عوامل بیرونی محیطی و مکانی طبقه بندی نمود:

عوامل درونی و اثرات محیط:

عوامل درونی بزه کاری خود قابل تفکیک به دو گروه عوامل ارثی و اکتسابی اند؛ عوامل ارثی یعنی آن چه کودک از پدر و مادر و نیاکان هنگام تولد با خود آورده است، تأثیر وراثت را در تکوین شخصیت کودک نمی‌توان انکار کرد آن چنان که برحسب پژوهش‌های نوین علم وراثت پاره‌ای از هنجاری‌های کروموزومی، تأثیر ژرفی در عواطف، هیجان‌ها و به طور کلی رفتار انسان دارند (Boba, 2005).

ویژگی‌های اکتسابی یعنی آن چه انسان از بدو تولد تا پایان عمر می‌آموزد. ویژگی‌های شخصیت انسان سبب می‌شود پاره‌ای از استعداد های بالقوه شکوفا شود و یا برعکس سد راهی برای بالندگی آن فراهم گردد. ویژگی‌هایی که علاوه بر خود انسان می‌تواند گاه به طور غیر ارادی حتی بر رشد و نمو جنین تأثیر گذارد به عنوان نمونه تمایلات کم و بیش شدید برای مصرف مواد مخدر و در نتیجه دارو بارگی در شخصیت معتاد که عاملی موثر بر شرایط جنین خواهد بود. به طور کلی در زمان بارداری هر نوع عدم تعادل در نحوه تغذیه، مصرف دارو و آن جام اعمال فیزیکی و احساس و حالات روانی و روحی اثر مستقیم یا غیر مستقیمی بر جنین دارد. و نیز کمبود اکسیژن و نرسیدن آن به مغز کودک هنگام تولد بر توسعه بعدی سیستم عصبی اثرات سوئی دارد.

استفاده از اشعه ایکس در زمان بارداری شدیداً منع گردیده چرا که اشعه ایکس و مواد رادیو اکتیو در آن بر روی طفل اثرات نامطلوب گذاشته و بعضاً باعث کوچکی مغز، کند ذهنی و کوری می‌شود.

۲- عوامل بیرونی و اثرات محیط

عوامل بیرونی شامل عواملی هستند که در محیط، انسان را همواره تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و محرک رفتارهای او به شمار می‌رود.

عوامل بیرونی یا عوامل اجتماعی شامل محیط طبیعی و اجتماعی است و آن چه مربوط به این دو محیط می‌گردد موضوع بحث اکولوژی انسانی بررسی تأثیر محیط طبیعی در رفتارهای جنایی و روابط انسان‌ها بایکدیگر و جامعه شناسی جنایی است.

اگر چه محیط در لغت به معنای احاطه کننده، در برگیرنده، مکان، جای زندگی آدمی و در زبان عامه آن چه ما را احاطه کرده است می‌باشد و شامل کلیه کیفیات و مقتضیات عمومی یک جامعه می‌گردد که بر روی تمامی افراد آن اجتماع اثرات مشترک و بالنسبه یک نواختی می‌تواند داشته باشد در جرم شناسی همانند برخی از رشته‌های دیگر علوم انسانی وقتی صحبت از محیط به میان می‌آید جنبه پویایی و نقش مثبت آن از لحاظ تأثیری که بر روی افراد می‌گذارد و نه جنبه ایستایی آن مدنظر است (Brown, 2000).

۲-۱- محیط طبیعی یا جغرافیایی

محیط جغرافیایی محیطی است که انسان‌ها در آن به سر می‌برند و شامل دما، درجه حرارت، آب و هوا، خاک از یک طرف و زیست گاه (بافت شهری، روستایی یا محیطی) از سوی دیگر می‌باشد.

محیط طبیعی که امروزه مورد توجه دانش جرم شناسی است یکی از دغدغه‌های دانشمندان ادوار پیشین است دانشمندانی چون ارسطو که تأثیر آب و هوا و درجه حرارت و موقعیت مکانی در گسترش حیوانات توجه کرده است یا ابن خلدون از مورخین اسلامی و هم چنین مورخین و فلاسفه غرب چون منتسکیو، ژان بدن، روسو و... که عقاید در خور توجهی را در زمینه اثرات محیط ارایه کرده‌اند. پیشتر اهمیتی را که جرم شناسی به سایر عوامل پدید آورنده یا مؤثر در جرم می‌داد برای عامل محیط طبیعی (آب و هوا و...) قایل نبود اما موجب تفاخر است که قرن‌ها پیش از این در کتب اسلامی از جمله نهج البلاغه به جمالتی بر می‌خوریم که به این تأثیر اشاره دارد. به عنوان مثال قرآن کریم درباره اثر محیط زیست می‌فرماید: «و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبت لایخرج الا نکدا...» سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت و شوره زار، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی‌روید.» چنان که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، در رشد و تکامل انسان نیز مؤثر می‌باشد، و همان گونه که از زمین‌های شوره زار، جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیان باری بر تربیت انسان دارد.

امام علی (ع) درباره اثر هوای هر فصل بر انسان فرموده است: «از سرما در آغاز آن پرهیز کنید و در پایان آن به استقبال آن بشتابید، در پاییز خود را بپوشانید و در آغاز بهار از لباس‌های خود کم کنید؛ زیرا تأثیر سرما بر بدن‌ها و

درختان یکسان است. اول سرما درختان را می‌سوزاند (باعث ریزش برگ‌ها و خشکاندن درختان می‌شود و در پایان آن می‌رویاند، درختان را به برگ و بار می‌آورد). کلام امام درباره تأثیر طبیعت بر جسم و جان آدمی بسیار روشن و صریح است و همان گونه که طبیعت بر جسم و بدن اثرگذار است، بر روح و روان بشر نیز اثرگذار می‌باشد؛ حضرت در این بیان حکیمانه به مقایسه بین سرمای پاییز و سرمای بهار پرداخته‌اند گرچه به ظاهر، سرمای ابتدای پاییز و سرمای ابتدای بهار از جهت درجه برودت یکسان می‌نماید و هر دو فصل را فصل اعتدال هوا به شمار می‌آورند، ولی تأثیر این دو کاملاً متضاد بوده و اثری مخالف یکدیگر دارند (Chi Pun Chung, 2005).

ابن میثم بحرانی در شرح این مطلب می‌نویسد: پرهیز از اول سرما که ابتدای پاییز است به این دلیل است که تابستان و پاییز هر دو از جهت خشکی (یبوست) مشترک هستند و بدن‌ها با حرارت تابستان خو کرده‌اند؛ از این رو، هنگامی که با سرما مواجه شوند، به سرعت از آن متأثر شده و دو نیروی برودت و یبوست که طبیعت ضعف و فناست در بدن قوی می‌شود و به همین دلیل درختان خشک شده و برگ‌های آن‌ها می‌سوزد و بدن‌ها ضعیف و لاغر می‌شود... اما سرما در آخر زمستان و طلوع بهار اثری به عکس دارد؛ زیرا زمستان و بهار در طبیعت رطوبت، اشتراک دارند، ولی زمستان سرد است و بهار گرم و از این رو سرمای آخر زمستان با حرارت بهاری ممزوج شده و از شدت سرما کاسته می‌شود و این اعتدال حرارت همراه با رطوبت زمینه مناسبی برای ایجاد طبیعت حیات و زندگی است و سبب رشد گیاهان و به برگ و بار آمدن درختان و تقویت بدن انسان‌ها می‌شود. درخصوص تأثیر آب و هوای سالم درختان سبز و محیط آرام بر کنش‌ها و کنش‌های متقابل افراد و بزه کاری شهر و روستا و علت اختلاف آن مباحث فراوانی از سوی جرم‌شناسان مطرح گردیده مباحثی که نشان از تفاوت‌های عظیم محیط و شهر و روستا و منشا تفاوت بزه کاری در اقالیم مختلف دارد.

در تعیین رابطه علت بین شرایط محیط طبیعی و بزه کاری که از مطالعات و تحقیقات دانشمندان نتیجه شد آب و هوا و درجه حرارت بیش از سایر جنبه‌های محیط جغرافیایی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است در این مورد پس از دانشمندان قرون وسطی و گری اولین کسانی بودند که با عنوان قانون گرمایی فصل جدیدی در مطالعات علمی جرم‌شناسی گشودند فصلی که اگر چه چون سایر نظرات جرم‌شناسی منتقدینی دارد اما با کمی اغماض در برخی نتایج شاید بتوان مدعی شد که هنوز هم رابطه علت و معلولی بین درجه حرارت و جرایم ارتكابی حاکم است. این نظریه که بعدها توسط انریکو فری جرم‌شناسی ایتالیایی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت مبین این قانون است که در نواحی و اقالیم گرم سیر یعنی جاهایی که درجه حرارت بالاست جرایم علیه اشخاص بیشتر واقع می‌گردد برعکس در مناطق سردسیر و نواحی که درجه حرارت پایین است جرایم علیه اموال بیشتر رخ می‌دهد. کتله و گری با بررسی مقایسه‌ای آمار جنایی دادگستری فرانسه بین سالهای ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰ مشخص کردند که در برابر هر ۱۰۰ جرمی که در شمال فرانسه علیه اشخاص رخ داده آمار جرایم علیه اموال حدود ۱۸۵ فقره بوده است (Cohen et al., 2007).

به طور قطع یکی از اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است، که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً کی از وظایف مهم بشر که حفظ

جان است، جز با زیستن در محیط سالم و زیبا امکان پذیر نیست. بدین سبب شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست طبیعی سالم و دل‌گشا بهره‌مند باشد.

محیط زیست سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد. آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه‌ها و به طور کلی طبیعت و محیط زیست نقش عظیمی در زندگی بشر دارند. از این رو سلامت محیط زیست بر هوش و استعداد و لیاقت‌های فردی اثر می‌گذارد و میانه روی در اخلاق و منش متأثر از میانه روی در محیط زیست است.

ساکنان مناطق معتدل کره زمین، دارای ویژگی‌ها و روحیه‌های خاص هستند که مقایسه با جوامع ساکن در مناطق گرم سیر و سردسیر، از تفاوت بسیاری برخوردارند. محیط زیست افزون بر تأثیر در قد و قامت و چگونگی اندام ظاهری، بر فکر و اندیشه و اعمال و رفتار انسان دارای تأثیر شگرف است.

قرآن کریم و روایات اسلامی فواید بسیار آب، هوا، گیاهان و درختان را با تعبیرهای بسیار دقیق و گاهی شگفت‌انگیز برشمرده‌اند و از تأثیر به‌سزای آن‌ها بر تن و روان آدمی سخن گفته‌اند. چنان‌که قرآن کریم درباره اثر محیط زیست می‌فرماید: «و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبت لا یخرج الا نکدا...!»؛ سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید.

تأثیر محیط زیست، موقعیت و محل جغرافیایی، مسکن و اطرافیان درکانون خانواده و به‌طورکلی بر زندگی انسان را کسی نمی‌تواند نادیده انگارد. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که دانش جدید به‌عنوان «اکولوژی» در کنار سایر دانش‌ها پدیدار گشته است. این دانش، عبارت است از: «مطالعه‌ی روابط میان موجودات و محیط زیست آن‌ها» بنابراین، «اکولوژی انسانی» تحقیقی درباره تأثیر انسان بر روی محیط زیست و تأثیر محیط زیست بر انسان می‌باشد. و محیط زیست به قول «راجرز» (متخصص دانش اکولوژی) نه فقط شامل وسایل مادی و فضای محیط بر دنیای انسان می‌گردد، بلکه اشیای غیر مادی (فرهنگ) را نیز در برمی‌گیرد، می‌باشد. و از این روست که در واقع طیف گسترده‌ای از عوامل احاطه‌کننده، اعم از انسانی و غیر انسانی، ملموس و غیرملموس را محیط گویند.

انسان موجودی تأثیر پذیر است؛ محیط اطراف بر او اثر می‌گذارند و شخصیت او در محیط زندگی او شکل می‌یابد. خانواده به‌عنوان اولین محیط رشد و نمو انسان به نوبه خود در حد وسیعی تکوین شخصیت کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر محیط جغرافیایی اعم از مسکن و موقعیت آن در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که احتمال هم‌نشینی و برخورد افراد با نمونه‌های مختلف و متعدد بزه‌کاری و انحراف بیشتر باشد احتمال وقوع جرم نیز در آن منطقه بیشتر خواهد بود. از این رو مطالعه میزان انحراف، جرم و جنایت در ارتباط با منطقه مسکونی و اطرافیان بزه‌کار توجه جرم‌شناسان را به خود معطوف و تلاش مضاعفی در بررسی نوع و کیفیت جرایم و جرم‌زایی در شهر و روستا نمودند.

انریکو فری را می‌توان اولین جرم‌شناسی است که در رابطه با تأثیر عوامل محیط در وقوع جرم مسایلی را به‌طور

جدی مطرح نموده است. وی طرف دار مکتب تحقیقی بود. به نظر وی عوامل به وجود آورنده‌ی جرم در سه سطح شخصی، محیطی و اجتماعی، قابل طبقه بندی هستند. عوامل شخصی بیشتر شامل عوامل ارثی و ژنتیکی موجود در بدن فرد می‌باشد که وی را مستعد برای ارتکاب جرایم می‌نماید. ولی در سطح شخصی عوامل دیگری از جمله: خانه و مسکنی که فرد در آن زندگی می‌کند، طبقه اجتماعی که فرد در آن متولد می‌شود و ... را دخیل می‌داند. توجه فری به خانه و مسکن محل زندگی فرد، به نوعی مؤید تأثیر گذاری غیر مستقیم مسکن در بروز برخی جرایم است. در سطح محیطی نیز فری، قایل به تأثیر شرایط جوی، دمای هوا، وضعیت شهر محل سکونت فرد و ... بود و در این مورد نیز بحث شهرسازی و نحوه تأثیر آن در جرایم را به طور ضمنی مورد اشاره قرار داده است. در سطح اجتماعی نیز به عواملی مثل فرهنگ، سطح آموزش، تراکم جمعیتی و... پرداخته است. در مورد تراکم جمعیتی، به خصوص در شهرک‌ها و تأثیر مستقیم و غیر مستقیم آن در جرم، توصیفات وی قابل توجه می‌باشد. به طور کلی، انریکو فری تأثیر محیط را بر جرم، به عنوان نقطه‌ی تمرکز نظریات خویش می‌شناسد و جهت پیش گیری از جرم نیز اقداماتی را پیشنهاد می‌کند که در برخی از آن‌ها توجه به امر مسکن و شهرسازی نیز ولو به صورت ضمنی ضعیف دیده می‌شود.

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

به طور قطع یکی از اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است، که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیط سالم و زیبا امکان پذیر نیست. بدین سبب شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست طبیعی سالم و دل گشا بهره مند باشد. محیط زیست سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد. آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه‌ها و به طور کلی طبیعت و محیط زیست نقش عظیمی در زندگی بشر دارند. از این رو سلامت محیط زیست بر هوش و استعداد و لیاقت‌های فردی اثر می‌گذارد و میانه روی در اخلاق و منش متأثر از میانه روی در محیط زیست است. ساکنان مناطق معتدل کره زمین، دارای ویژگی‌ها و روحیه‌های خاص هستند که مقایسه با جوامع ساکن در مناطق گرم سیر و سردسیر، از تفاوت بسیاری برخوردارند. محیط زیست افزون بر تأثیر در قد و قامت و چگونگی اندام ظاهری، بر فکر و اندیشه و اعمال و رفتار انسان دارای تأثیر شگرف است.

محیط جغرافیایی محیطی است که انسان‌ها در آن به سر می‌برند و شامل دما، درجه حرارت، آب و هوا، خاک از یک طرف و زیست گاه (بافت شهری، روستایی یا محیطی) از سوی دیگر می‌باشد. محیط طبیعی که امروزه مورد توجه دانش جرم شناسی است یکی از دغدغه‌های دانشمندان ادوار پیشین است دانشمندانی چون ارسطو که تأثیر آب و هوا و درجه حرارت و موقعیت مکانی در گسترش حیوانات توجه کرده است یا ابن خلدون از مورخین اسلامی و هم چنین مورخین و فلاسفه غرب چون منتسکیو، ژان بدن، روسو و... که عقاید در خور توجهی را در زمینه اثرات محیط ارایه کرده‌اند. پیشتر اهمیتی را که جرم شناسی به سایر عوامل پدید آورنده‌ی مؤثر در جرم می‌داد برای عامل محیط طبیعی

(آب و هوا و...) قایل نبود اما موجب تفاخر است که قرن‌ها پیش از این در کتب اسلامی از جمله نهج البلاغه به جمالتی بر می‌خوریم که به این تأثیر اشاره دارد. به عنوان مثال قرآن کریم درباره اثر محیط زیست می‌فرماید: «و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبث لا یخرج الا نکدا...؛ سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت و شوره زار، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی‌روید.» چنان که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، در رشد و تکامل انسان نیز مؤثر می‌باشد، و همان گونه که از زمین‌های شوره زار، جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیان باری بر تربیت انسان دارد.

بخش عمده‌ای از مناطق شرقی، جنوب شرقی و پاره‌ای از مناطق کوهستانی در غرب به علت قرار داشتن در قلمرو بیابان‌های خشک و بی آب و کوهستان‌های مرتفع دور از دسترس، به نسبت دیگر نقاط مستعد کشور، از نعمت توسعه بهره‌ی مناسب نبرده‌اند و در برخی از نقاط اصلاً از توسعه بی بهره‌اند. مناطق شرقی کشور که دچار محرومیت واقعی و توسعه نیافتگی است، بیشتر حالت حاشیه‌ای پیدا کرده است. حتی جمعیت و نیروی انسانی در این مناطق نیز به حاشیه رانده شده‌اند؛ چرا که دست رسی مردم به آموزش‌های عمومی و سطح بهره‌گیری از امکانات آموزشی امروزه در دنیا به عنوان یکی از عوامل مهم توسعه به شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در نقاط توسعه نیافته، سطح سواد و میزان دسترسی کودکان واجب‌التعلیم به امکانات آموزشی بسیار کم تر از مناطق توسعه‌یافته است. بی سوادی توسعه نیافتگی را به دنبال دارد. از سویی بی سوادی خود نیز زاینده توسعه نیافتگی است. همان طور که در پیش گفته شد، در مناطق حاشیه‌ای و کمتر توسعه‌یافته‌ی ایران، در کنار عوامل بازدارنده‌ی جغرافیایی و طبیعی (از جمله محدودیت منابع، وضع اقلیمی نامناسب، کوهستانی بودن و...) عوامل انسانی نیز تأثیر فراوان داشته و دارد. برای توسعه‌ی این مناطق به نیروی متخصص و ماهر نیاز است که تأمین آن در کوتاه مدت ممکن نیست. جذب نیروی متخصص از دیگر نقاط کشور به مناطق محروم با توجه به محدودیت‌های مالی و اعتباری مقرون به صرفه نیست.

مرز در همه دنیا یک شمشیر دو لبه است؛ مرز هم می‌تواند محلی برای رونق تجارت و صادرات و واردات باشد و هم محلی برای قاچاق کالا. در ایران نیز مرزهای متعددی در کشور وجود دارد که به ارزآوری برای کشور یا ورود ماشین‌آلات و مواد اولیه مورد نیاز صنایع کمک می‌کند اما از سوی دیگر زمینه‌ای برای قاچاق ورودی و خروجی کالا فراهم می‌شود. قاچاق کالا یکی از چالش‌های مهمی است که اقتصاد کشور را نابود و چرخ صنایع را از کار می‌اندازد. در کشور ایران و خصوصاً استان‌های مرزی از جمله کرمانشاه از زمانی که مرزها وجود داشتند پدیده قاچاق نیز با آن همراه بوده و همواره شاهد ورود کالاهای از طریق مرزها بوده‌ایم که هیچ‌گونه عوارض و هزینه‌های گمرکی بابت آنها پرداخت نمی‌شود. ایران با ۱۵ کشور دنیا همسایه است و از این نظر دومین کشور دنیاست، وجود بیش از ۸ هزار و ۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک در کنار بی‌ثباتی سیاسی برخی از کشورهای همسایه و ضعف در تجهیزات کنترل‌کننده ورودی (در بندر شهید رجایی با ورود و خروج بیش از ۴ هزار کانتینر فقط دو دستگاه ایکس

ری وجود دارد که روزانه فقط می‌تواند ۴۰۰ دستگاه تریلر را اسکن کند) و همچنین وجود اسکله‌های غیر مجاز (گمرک از ۴۴۰ اسکله تنها در ۱۵۲ اسکله حضور دارد) ۷۰ هزار ملوان و ۳۷ هزار کوله‌بر، چنان زمینه‌هایی را برای قاچاق کالا فراهم کرده که لقب «ایران بهشت قاچاقچیان بین‌المللی» را به ایران داده‌اند. از نظر حمل کالای قاچاق نیز می‌بینیم که تهران بارانداز بیش از ۶۰ درصد کالای قاچاق کشور است و روشن نیست که این کالاهای قاچاق چگونه این هزاران کیلومتر را طی و سالم به پایتخت این کشور می‌رسد. در توزیع کالای قاچاق نیز وضعیت به مراتب به نفع قاچاقچیان بین‌المللی است، وجود بیش از ۳ میلیون واحد صنفی و ۴۵۰ هزار دستفروش و شبکه‌های گسترده مجازی در کنار ضعف دستگاه نظارتی (عدم کفایت بازرسان - ۴۵۰۰ نفر برای ۳ میلیون واحد صنفی - و تبدیل تنها ۵ درصد از بازرسی‌ها به پرونده قابل رسیدگی) همگی باعث شده است که کالاها، مصرف‌کننده خود را به راحتی در بازار بیابند و به آسانی در دسترس آنها قرار گیرند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که قاچاق کالا در هر یک از زمینه‌های ورود، حمل و توزیع متاثر از سه حوزه تقنین، اجرا و نظارت است.

از جمله نواحی مرزی کشور ایران که از لحاظ توسعه دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد نواحی مرزی شرقی است. به طور خلاصه می‌توان چالش‌های عمده موجود در مرزهای شرقی را به شرح ذیل نام برد: گستردگی جغرافیایی همراه با جمعیت اندک (وسعت ۱۷۸۴۳۱ کیلومتر مربع با ۱۷۲۲۵۷۹ نفر جمعیت) مرزهای طولانی و ناامن، وجود موانع طبیعی از جمله بیابانها و کویرها، کمبود مواهب طبیعی، انزوای جغرافیایی، عامل ژئومورفولوژیکی، وضعیت آب و هوا و عدم ذخایر نفت و گاز، استقرار اقوام و قبایل بلوچ در دو سوی مرز، همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و بی‌ثباتی و ضعف در ایجاد ثبات کامل سیاسی و اداری و اقتصادی کشور افغانستان که فقدان کنترل مرز را به همراه داشته است، جریان سیاسی پناهندگان افغانی، قرارگیری در مجاورت بزرگترین کانون تولید مواد مخدر و قاچاق آن از طریق مرز استان سیستان و بلوچستان به داخل ایران، وضعیت نامتعادل و ن ابرابر یهای اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی این نواحی نسبت به نواحی مرکزی، فقر و محرومیت که موجب گرایش بسیاری از مردم این نواحی به قاچاق مواد مخدر شده است. چالش‌های فوق در این نواحی باعث بروز مشکلات و مسائل فراوان و متنوع گردیده است که می‌تواند توسعه را در سطوح محلی، منطق‌های و حتی ملی مورد تهدید قرار دهد و در صورت ادامه، معضلات جدیتر را به بار خواهد آورد.

استان‌های شرقی به دلیل وسعت و کشیدگی در عرض جغرافیایی، از منظر جغرافیای طبیعی دارای ویژگی‌های متعددی و مختلف اقلیمی، گیاهی، زمین‌شناسی و ... است. پاره‌ای از شرایط طبیعی در برخی نواحی استان موجب نا امن شدن طبیعی فضا شده است. بنیادهای زیستی عوامل و متغیرهایی هستند که وجود آنها در شک لگیری، گسترش، تکامل و بقای حیات اجتماعات انسانی تاثیر دارند و عبارتند از: فضا و وسعت سرزمینی، اقلیم و ساخت آب و هوایی، منابع آب، خاک و گونه‌های گیاهی و حیوانی. بخشهایی از نواحی شرقی و جنوبی استان‌های شرقیه دلیل مجاورت با کمربند بیابانی دنیا و کمبود بارش، بسیار کم آب است. از سوی دیگر فرسایش خاک و نبود یا کمبود پوشش گیاهی در بسیاری از نواحی شرق و جنوب و حتی مراکز استان مشهود است. مجموع این شرایط و

ویژگی‌های مکانی در این نواحی، موجب شده است که جمعیت قابل توجهی در آنها ساکن نباشد و عرصه‌های وسیعی از استان‌های شرقی با تراکم کم جمعیت مواجه باشد. این فضاها خالی و گسترده، بستر مناسبی را برای فعالیت گروه‌های محل امنیت و شرارت‌ها فراهم می‌آورد؛ زیرا که بر اساس مطالعات امنیتی، بین وجود یا نبود جمعیت در یک فضای جغرافیایی و امنیت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. یعنی وجود جمعیت از بسیاری از فعالیت‌های محل امنیتی جلوگیری می‌کند و برعکس نبود جمعیت یا کمبود آن، زمینه ساز برخی از فعالیت‌های غیر قانونی است. بنابراین ضعف بنیادهای زیستی در برخی از نواحی استان‌های شرقی با دو متغیر واسطه‌ی تراکم پائین، و وجود فضاها خالی از جمعیت، شرایط فعالیت ضد امنیتی را فراهم آورده است.

- منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- پور احمد، احمد (۱۳۸۸)، قلمرو و فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- تقوایی، مسعود (۱۳۸۹)، بررسی و مقایسه شاخص‌های ششگانه جرم در سطح مناطق مختلف شهر شیراز، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۶.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- جمالی، فیروز (۱۳۸۱)، مهاجران، شهرها و سازگاری مهاجران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- غلابی طالقانی، محمد (۱۳۸۲)، ژئومورفولوژی ایران، تهران: نشر قومس.
- عبادی نژاد، سید علی، صفاری، امیر، پناهی، حمید، پور غلامی، محمد رضا (۱۳۸۹)، جغرافیای مواد مخدر نقش عوامل ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره سوم.
- طاهر خانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱)، ایجاد فضاها قابل دفاع شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۹.
- قالیباغ، باقر (۱۳۷۵)، بررسی نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستم و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.
- شوارزی، عباس (۱۳۸۷)، رابطه جغرافیا و امنیت با تاکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم.
- رجعتی، الهه (۱۳۸۹)، بررسی اثرات سکونتگاه‌های غیر رسمی بر امنیت شهری، نمونه موردی کلان شهر مشهد، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، اردیبهشت ماه، مشهد.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۱)، بازار مواد مخدر در ایران (قیمت، مصرف و تاثیرگذاری تولید خارجی)، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری
- کامران، حسن، شعاع برآبادی، علی (۱۳۸۸)، بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی مطالعه موردی: شهر تایباد، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۵.
- محمدی، حمید رضا و محمد غنجی (۱۳۸۵)، چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غربی آسیا، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، مهاجرت‌های قومی و تغییر ساختار اجتماعی شهرهای ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، امیراحمدیان، بهرام، صالحی دولت آبادی، روح‌الله (۱۳۹۵)، ابتکار (جاده ابریشم) جدید (اهداف، موانع و چالش‌ها)، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵.
- رحیمی، حسین (۱۳۹۳)، افغانستان و سازمان‌های همکاری منطقه‌ای، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری‌های منطقه‌ای، زیر نظر: دکتر فرامرز تمنا، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه.
- رحیمی، سردار محمد (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک افغانستان در قرن بیستم، کابل: انتشارات سعید.
- زارعی، بهادر، شاهدوست، حسن، زینی‌وند، علی (۱۳۹۳)، فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳.
- سروش، حسن (۱۳۹۳)، موقعیت ژئوپلیکانومیک افغانستان و اهمیت آن برای اقتصاد بین آسیایی مرکزی و آسیای جنوبی، سیاست خارجی افغانستان در

- سپهر همکاری‌های منطقه‌ای، زیر نظر: دکتر فرامرز تمنا، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه.
- شاران، تیمور (۱۳۹۰)، نگاهی به پس منظر توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره بیست و پنجم و بیست و ششم.
- عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جمیزای (۱۳۹۴)، چرا ملت‌های شکست می‌خورند؟ ترجمه: محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.
- علیرضایی، محمد حنیف (۱۳۹۰)، افغانستان و اهمیت انرژی، فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره بیست و پنجم و بیست و ششم.
- غبار، میر غلام محمد (۱۳۸۸)، افغانستان در میسر تاریخ، پشاور: دارالسلام کتب خانه.
- غیاثی، انجینیر توریالی (۱۳۸۳)، ما و جامعه مدنی، مشهد: کانون فرهنگی میهن.
- Meagan Elizabeth Cahill, (2004), Geographies of Urban Crime: An Intraurban Study of Crime in Nashville, TN: Portland, Or : and Tucson.
- Mclachlan, k. ; The boundaries of modern Iran ; London : the soas, (1994)
- Mojtahed – zadeh, p. ; The amirs of the borderlands and eastern Iranian borders ; london urosevic foundation publication (1996)
- baluch, M. sardar khan, history of baluch race and baluchestan, karachi, (1985)
- Anselin, Luc. (2000). Spatial Analysis of crime. National Institute of Justice.
- Benton- short, L., & Short, John R. (2008). cities and Nature. Routledge, New York.
- Boba, R. (2005). Crime Analysis and Crime Mapping. Sage, USA.
- Brown, D., & Dalton, J. (1981). Regional Crime Analysis Program (RECAP). presented at Crime Mapping Specialists Meeting, National Institute of Justice, Washington, DC, February.
- Brown L. (2000). Geography of crime, university of Wollongong. school of Geo Science, from the world wide web: <http://www.geos542.com>
- Chi Pun Chung, E. (2005). Use of GIS in campus crime analysis: A case study of the university of Hong Kong. (Unpublished master's thesis). University of Hong Kong, Hong Kong. Retrieved from hub.hku.hk/bitstream/10722/40958/1/FullText.pdf
- Cohen, J., Gorr, W.L., & Olligschlaeger, A. (2007) Leading Indicators and Spatial Interactions: A Crime Forecasting Model for Proactive Police Deployment" Geographical Analysis, 39 (1), 105-127.